

مسأله غرامات

# جنگ دوم ایران و روسیه

نوشته

دکتر دریا ریخ  
جماگیر قائم مقامی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات  
پرتال جامع علوم انسانی

دکتر دریا ریخ



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

تا کنون هر زمان سخن از جنگ دوم ایران و روسیه و معاهده ترکمانچای به میان آمده ، مسأله‌ای که بیشتر توجه را جلب کرده و درباره آن سخن پردازیه‌ها شده است انتزاع استانه‌های آن سوی ارس و موضوع «کاپیتولاسیون» بوده و از بار سنگین و کمر شکن ده کرور تومان غرامات جنگ (پنج میلیون تومان) که دولت ایران پرداخت تا آذربایجان را از دست روسها بیرون آورد کمتر صحبت شده است .

مسأله غرامات، مدت سی سال مبتلاء به دولت ایران و خاصه دستگاه ولیمهد عباس میرزا و مردم آذربایجان بود که روز بروز دولت و مردم را مانند بیماری جزام می خورد. به این خاطر، ما مقاله‌ای را در این شماره مجله، به شرح مسأله مزبور اختصاص می دهیم .

**بررسی های تاریخی**



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی

پرتال جامع علوم انسانی

## مسأله غرامات جنگ دوم ایران و روسیه

در باره مسأله غرامات جنگ دوم ایران و روسیه (ذی حجه ۱۲۴۱ - ربیع الثانی ۱۲۴۳ هجری قمری) که در حدود سی سال مورد گفتگوهای دو دولت ایران و روسیه بوده و برای آن کشمکشها شده است، برای نخستین بار مقاله‌ای زیر عنوان «غرامات معاهده تر کمانچای و جریان پرداخت آن، به وسیله استاد فقید عباس اقبال آشتیانی در مجله یادگار انتشار یافت<sup>۱</sup>. و به طوریکه آن مرحوم خود در مقاله مزبور نوشته، در نظر داشته است محتوای آن مقاله جزئی از کتابی را تشکیل دهد که با همکاری دکتر قاسم غنی در شرح حال مرحوم میرزا تقی خان امیر کبیر و وقایع پنجاه سال قبل از صدارت او در دست تألیف داشته‌اند. اما قدر مسلم اینکه کتاب مزبور در زمان زندگی ایشان جامه عمل نپوشید و به سبب درگذشت دکتر قاسم غنی و اقبال ناتمام ماند تا اینکه پس از مرگ اقبال، یادداشتهای او به کوشش آقای ایرج افشار جمع آوری و به صورت کتابی منتشر شد<sup>۲</sup> ولی از مقاله غرامات معاهده

۱ - شماره ۲ سال اول - ۱۳۲۳ خورشیدی .

۲ - «میرزا تقی خان امیر کبیر»، تألیف عباس اقبال . به کوشش ایرج افشار ،

سال ۱۳۴۰ تهران .

تر کمانچای خلاصه‌ای بیشتر در آن کتاب به چاپ نرسید.<sup>۳</sup>  
 مرحوم اقبال در مقاله مزبور به استناد مدارك و اسنادی که در دست داشته به شرح انعقاد معاهده تر کمانچای و فصول مربوط به غرامات و جریان پرداخت آن پرداخته است که در حد خود بسیار خوب و محققانه است ولی اسناد مدارك دیگری که بعدها اضافه بر آنچه مرحوم اقبال در اختیار داشته به دست آمده است نشان میدهد افتادگی ها و خلاء هائی در مقاله مذکور وجود دارد و مقاله حاضر به منظور ارائه این اسناد و رفع آن افتادگیها و خلاءهاست. اما برای این مقصود لازم است خلاصه مقاله مرحوم اقبال را هم به نحوی که استخوان بندی نکات اساسی و اصلی آن محفوظ شود، در ضمن مقاله خود نقل کنیم و در خلال آن اطلاعاتی را که به استناد مدارك و اسناد جدید افزون بر مندرجات مقاله مرحوم اقبال داریم بنویسیم.

پس از تصرف تبریز توسط روسها، عباس میرزا قائم مقام را برای پیشنهاد صلح نزد ژنرال پاسکیویچ<sup>۴</sup> فرستاد. قائم مقام چون به دهکده قراملك (در چند کیلومتری تبریز) رسید پاسکیویچ به ملاحظه اینکه «مبادا ورود قائم مقام به شهر باعث شورش اهالی آنجا شود» ژنرال ابرسکوف<sup>۵</sup> را به نام «وکیل مصالحه» به قریه قراملك روانه کرد تا در همانجا در مورد شرایط اصلی صلح گفتگو کنند.<sup>۶</sup>

در این مذاکرات روسها قبول مصالحه را موکول و مشروط به سه شرط کرده بودند:

۱- دولت ایران ولایات ایروان و نخجوان را تا ساحل ارس به روسیه واگذار نماید.

۳- ر. ک. به آن کتاب از ص ۲۶۰ تا ص ۲۶۵

۴- Paskievitch

۵- Abareskoff

۶- تاریخ احوال عباس میرزا نایب السلطنه تألیف میرزا مسعود وزیر دول خارجه،

ضمیمه سفرنامه خسرو میرزا به تصحیح محمد گلبن چاپ «اقتضایات مستوفی» ص ۶۶.

۲- آن نواحی ازطالش را که سپاهیان ایران از روسها منتزع کرده‌اند پس بدهند.

۳- مبلغ پانزده کروور تومان اشرافی يك مثقالی ازقراز يك تومان به دولت روسیه بدهند.<sup>۷</sup>

قبول این شرایطا گرچه بسیار سخت و شاق بود ولی به هر حال با وساطت وزیر مختار انگلیس جان مکدنالد<sup>۸</sup>، عباس میرزا و پاسکویویچ در دهکده دهخوارقان با یکدیگر ملاقات و درباره مواد و شرایط صلح مذاکره کردند.

ما در اینجا به جزئیات جریان مذاکرات که خوشبختانه گزارش بالنسبه جامع آن در دست است<sup>۹</sup>، کاری نداریم. همینقدر باید بدانیم پس از مذاکرات مفصل، بالاخره عباس میرزا ناکزیر شد به قبول شرایط سه گانه ژنرال پاسکویویچ تن در دهد.

در مورد شرط سوم یعنی وجه مصالحه، میرزا مسعود مؤلف «تاریخ احوال عباس میرزا» که خود در تمام مدت مذاکرات صلح در دهخوارقان و ترکمانچای حضور داشته می نویسد: پیشنهاد روسها چنین بود که « پنج کروور تومان تا موعد يك ماه تسلیم تا عهدنامه به مهر و کلای دولتمین برسد و ده کروور باقی بعد از آن به و کلای روسیه برسد تا مملکت آذربایجان را تفویض کنند و اگر در وصول آن تأخیری رود دولت علیه ایران را اختیاری در مملکت آذربایجان نباشد.»

پاسخ نایب السلطنه مبنی بر این بود که «همینکه از کروورهای پانزده گانه،

۷- همان کتاب ص ۶۷ - رضا قلی خان هدایت در روضه الصفاى ناصری نوشته است مبلغ غرامت ابتدا بیست کروور تومان اشرافی بود ولی بعد از گفتگوهاى که شد ژنرال پاسکویویچ « پنج کروور از بیست کروور مذکور را تخفیف داده به نواب نایب السلطنه مقدم بها وا گذاشت و سخن از پانزده کروور وجه مصالحه رفت » (ج نهم ص ۲۸۰)

۸ - John Mac Donald

۹ - ر . ک به کتاب احوال عباس میرزا از ص ۶۹ تا ص ۸۴ .

پنج کرور تسلیم شد عهدنامه به مهر و کلای دولتین برسد و بعد از آنکه دو کرور تحویل کردند کل ولایت آذربایجان را تفویض نمایند. کرور هشتم را تا موعد هفت ماه ایصال کنند و تا آن موعد ولایت خوی در رهن دولت روسیه بماند. هفت کرور دیگر را و کلای دولت روس به و کلای دولت ایران مهلت بدهند. ۱۰

اما به طوریکه میرزا مسعود نوشته است، در این اثنا پاسکیویچ بیمار شد و نایب السلطنه «ازراه کوچک دلی» به عیادت او رفت و پاسکیویچ «برای تقدیم لوازم شکر گزاری سه کرور وجه از جمله پانزده کرور را پیشکش کرد و مکتوبی متضمن این معنی به کار گزاران آن حضرت سپرد». ۱۱

ولی از طرف دیگر، فتحعلیشاه که بایستی پنج کرور اول را می فرستاد تا عهدنامه صلح امضاء شود، به جهاتی که از آن جمله خست او و تحریکاتی را که علیه عباس میرزا در دربار صورت می گرفت، باید نام برد، فرستادن وجه المصالحه را به دفع الوقت می گذرانید. در همین گیر و دار حسنعلی میرزا شجاع السلطنه والی خراسان با سپاهیان خود و پرچم سیاه، به نام جهاد با روسیه به سوی تهران عزیمت کرد. محمدولی میرزا حکمران یزدهم روانه تهران شد و بسیاری دیگر از شاهزادگان نیز به شجاع السلطنه و محمدولی میرزا تاسی کرده عازم تهران شدند و متفقاً تا حدود قزوین راندند و همچنین شهرت دادند که شاه، عباس میرزا را از ولیمهدی معزول و شجاع السلطنه را به ولیمهدی خود انتخاب نموده است. ۱۲

این حوادث موجب نگرانی روسها شد و حتی پاسکیویچ با خشونت، از قطع و تعطیل مذاکرات سخن گفت. اما عباس میرزا به پاسکیویچ اطمینان

۱۰ - همان کتاب ص ۷۳

۱۱ - همان کتاب ص ۷۳ - ۷۴ - از آنچه به استناد کتاب میرزا مسعود در این مقاله ذکر شده، مرحوم اقبال در مقاله خود یاد نکرده است.

۱۲ - برای تفصیل این حوادث رجوع کنید به تاریخهای دوره قاجاریه.



و خاطر جمع می‌داد که آنچه شهرت یافته حقیقت ندارد و مواد و فصول عهدنامه همان است که تا آن لحظه مورد موافقت طرفین قرار گرفته است.

میرزا مسعود بعد از شرح این اوضاع چنین اضافه کرده است :

« روز دیگر جنرال پسکوویچ برای معذرت جوئی

آن نوع تند خوئی که مکتوباً کرده بود، به خدمت حضرت ولیعهد آمده بعد از ادای مراسم عذرخواهی عرض کرد که در اصول و فروع مصالحه حضرت ولیعهد را مطالب مانده که اظهار نفرموده باشند؛ در جواب گفتند مطالب ما همان بود که در این چند مدت گفتگو شد. باز عرض کرد که در باب کرورات، دیگر فرمایش و خواهشی دارید یا نه؟ فرمودند که متقبل پانزده کرور شده بودیم و توقع گذشت سه کرور هم ننمودیم. شما خود از راه محبت تخفیف دادید، ما هم کمال انسانیت و مهر و محبت شما را تعریف و توصیف کردیم. اکنون در این باب هیچ توقعی نداریم. سردار روسیه به خیال اینکه شاید از جانب آن حضرت درین خصوص اظهاری شود، اصراری کرد. چون آن حضرت را در طریق استغنا ثابت و پابرجا دید عرض کرد که ما را از جانب دولت خود اختیار آن هست که از جمله دوازده کرور، دو کرور هم تخفیف دهیم. لهذا در این مجلس دو کرور هم به حضرت ولیعهد واگذار کرده کل وجه مصالحه را برده کرور قرار می‌دهیم. در همان مجلس به این مضمون سندی نوشته مهر کردند و به کار گزاران آن حضرت سپردند. ۱۳

۱۳ - تاریخ احوال عباس میرزا ص ۸۰-۸۱ - از این نکات نیز مرحوم اقبال

ذکری نکرده است.

باتمام این احوال، خبری از وصول مبلغ وجه المصلحه از تهران نبود و به « وعده امروز و فردا » می گذشت. تا اینکه پاسکیویچ که دیگر تحمل این امروز و فردا کردنها را نداشت قطع مذاکرات را اعلام نمود<sup>۱۴</sup> و عباس میرزا از دهخوارقان به گروس رفت و در انتظار رسیدن پنج کرور تومان نشست.

چون اوضاع و احوال به وخامت می کشید، جان مکنیل<sup>۱۵</sup> از طرف مکدونالد وزیر مختار انگلیس (که از آغاز واسطه مصلحه بود) وقائم مقام، از جانب عباس میرزا به تهران رفتند تا شاه را از وخامت اوضاع آگاه سازند. خوشبختانه اقدامات این دو نفر به نتیجه رسید<sup>۱۶</sup> و فتحعلی شاه بالاخره راضی شد شش کرور تومان برای جلوگیری از وخامت بفرستد و قائم مقام در نامه ای مبسوط که از زبان فتحعلی شاه به نایب السلطنه نوشته است به این موضوع چنین اشاره می کند:

« مقدار فضل و رأفت خدیوانه را خاصه در بساره آن فرزند از این جا باید قیاس کرد که بعد از آنچه در این دو سال در آن حدود حادث شد، باز مطایای عطایاست که پی در پی از خزائن ری با کرورات سته در مرورات خمره خواهد بود و اینک تا عشر اول رجب بوجه یقین به شهر قزوین خواهد رسید. کرم بین و لطف خداوند گار خبط و خطائی چنان را که بذل و عطائی چنین پاداش باشد، خدا داند و بس که اگر مایه خدمت جزئی به نظر می رسید پایه نعمتهای کلی تا کجا منتهی می شد.

۱۴ - عباس میرزا در نامه ای که در این روزها به خط خود به محمد میرزا و جهانگیر میرزا پسران خود نوشته بود، نوشته است: « فرزندان محمد میرزا و جهانگیر میرزا بدانند که پول دیر رسید و روسها به چان رسیدند » ( ر . ک به کتاب احوال عباس میرزا، ص ۸۲ زیر نویس شماره ۱ )

John Mc Neill - ۱۵

۱۶ - ناسخ التواریخ ۱ ج کتاب قاجاریه ص ۲۳۲ و ۲۳۳ چاپ نگارنده .

وان تعدوا نعمة الله لا تحصوها . ۱۷ بالجمله مبلغ پنج کرو را از آن بابت ، به صیغه انعام است و يك کرو را به رسم مساعده و ام . . . » ۱۸

بدین ترتیب وجه مصالحه رسید. طرفین متعاقد در دهکده تر کمانچای گرد آمدند و عهد نامه صلح یا عهدنامه عمده تر کمانچای به امضاء رسید (پنجم شعبان ۱۲۴۳ هـ ق برابر با ۱۳۳۳ فوریه ۱۸۲۸) .

در عهد نامه عمده تر کمانچای ، انعقاد چند عهدنامه و قرارداد و صورت مجلس دیگر نیز پیش بینی شده بود و این تعهدات در همان روز انعقاد عهد نامه عمده ، به این ترتیب به امضاء رسید :

۱ - قرارداد مربوط به غرامات که به قرارداد کوررات و تخلیه سرحدات ، نیز معروف است ( به موجب فصل ششم عهدنامه عمده) .

۲ - صورت مجلس در باب تشریفات پذیرائی سفرای کبار و مأمورین سیاسی ( به موجب فصل نهم عهدنامه عمده) .

۳ - عهدنامه بازرگانی ( به موجب فصل دهم عهدنامه عمده) .

از عهد نامه های صلح و تجارت و صورت مجلس تشریفات ، در بیشتر کتاب های تاریخی گفتگو شده و متن آنها هم در آن کتابها و مجموعه های عهد نامه ها و قرارداد ها هست . ۱۹ ولی از قرارداد غرامات که زیان آن کمتر از زیان سه عهدنامه دیگر نبود ، اسمی به میان نیامده و حتی در مجموعه معاهدات و قرارداد های ایران با دولت های خارجی هم نامی از آن نمی یابیم جز اینکه مرحوم اقبال دو فصل آن را در مقاله غرامات نقل نموده

۱۷ - اگر نعمتهای خدا بر شما رسید ، هرگز نمی توان آن را به حساب آورد . (سوره ابراهیم آیه ۳۷ و سوره نحل آیه ۱۸)

۱۸ - منشآت قائم مقام چاپ نیکاننده ص ۱۱۲ . مرحوم اقبال متن کامل این نامه را در مقاله خود آورده است .

۱۹ - ر . ک به « مجموعه معاهدات دولت علیه ایران با دول خارجه » تألیف مؤتمن الملک چاپ تهران ۱۳۲۶ هـ . ق از صفحه ۱۱۶ تا ۱۴۲

است ۲۰ و ما نظر به اهمیت آن، متن کامل آن را از مجموعه‌ای خطی حاوی معاهدات و قراردادهای ایران بادولتهای خارجی متعلق به کتابخانه مجلس سنا، درضمیمه این مقاله نقل خواهیم کرد. ۲۱

به هر حال، همین قرارداد که به موجب فصل ششم عهدنامه عمده منعقد شد، اساس تمام کشمکشهای سی ساله بین ایران و روسیه و موجب زیانها و دردهای فراوان برای دولت ایران گردید. ۲۲

برحسب این قرارداد دولت ایران متعهد شد مبلغ ده کروور تومان اشرافی يك مثقالی که برابر با بیست میلیون مناط سفید روسی می بود طبق شرایطی به دولت روسیه بپردازد و تا وصول هشت کروور آن، قسمتهائی از خاک آذربایجان به عنوان وثیقه در تصرف روسها باقی باشد. ترتیب پرداخت غرامات هم چنین بود:

به موجب مفاد فصل دوم قرار داد، مقرر بود سه کروور تومان در مدت هشت روز، از روز امضای عهدنامه یعنی تا سیزدهم شعبان و دو کروور بعد از ۱۵ روز یعنی تا ۲۸ شعبان و سه کروور تا بیست و ششم رمضان (۱۳ آوریل ۱۸۲۸) و بالاخره دو کروور آخر از ده کروور تا ۱۳ ژانویه ۱۸۳۰ میلادی. ۲۳

مفاد فصل سوم قرارداد حاکی بر این بود که تا پرداخت هشت کروور تومان از ده کروور تومان مزبور، « تمامی ولایت آذربایجان در زیر حمایت

۲۰ - مجله یادگار ۲ سال یکم صفحات ۲۵-۲۷

۲۱ - سند شماره ۱ درضمیمه این مقاله .

۲۲ - فصل ششم عهدنامه عمده ترکمانچای چنین است : « اعلم حضرت پادشاه ممالک ایران به تلافی خسارت دولت و رعیت روسیه ، مبلغ ده کروور نقد را که عبارت از بیست ملیان مناط سفید روس است قرارداد و موعود و رهاین وصول این وجه در قرارداد علیحده که لفظ به لفظ گویا در این عهدنامه مندرج است معین خواهد شد . »

۲۳ - در نسخه کتابخانه مجلس سنا این تاریخ را با ۲۲ جدی ۱۲۴۵ برابر دانسته و مرحوم اقبال آن را مطابق با ۱۸ رجب ۱۲۴۵ نوشته است و ما بهتر دانستیم بالفعل تاریخ مسیحی آن را ذکر کنیم زیرا تطبیق دقیق این سه تاریخ بایکدیگر ، از روی تفویضهای تطبیقی موجود نیست .

بیواسطه عساکر روسیه مانده، اداره و انتظام آن بالانحصار برای منافع روسیه، اختصاص می‌یافت و «حکومت مستعاری، که در تبریز برقرار شده بود به حفظ منافع روسیه می‌پرداخت و ضمناً به موجب همین فصل، برای پرداخت آخرین قسط از هشت کرور که تخلیه کلی و قطعی آذربایجان موکول به پرداخت آن می‌بود، به سبب احتمالات، مهلتی هم به مدت چهار ماه و نیم یعنی تا  $\frac{15}{27}$  اوت برابر با سوم صفر ۱۲۴۴ پیش‌بینی شده بود که اگر خدا نکرده مبلغ مزبور تا آن روز تسلیم نشود و تمام ولایات آذربایجان از ایران انفصال دائمی خواهد یافت، ولی این نکته نیز قید شده بود که چنانچه کرورهای ششم و هفتم تسلیم شود در ظرف یک ماه مناطق اشغال شده از سپاهیان روسیه تخلیه خواهد شد و تنها «قلعه و ولایت خوی مانند رهن ایصال کرور سیم از کرورات مزبور (منظور کرور هشتم است) که باید بالتمام در پانزدهم ماه آگوست، سنه ۱۸۲۸ مسیحیه برسد در اختیار عساکر روسیه خواهد ماند.» ۲۴

به طوریکه پیش از این گفته شد، فتحعلی‌شاه شش کرور از هشت کرور را پرداخت و تأدیة بقیة کرورات به عهده عباس میرزا محول گردید. بنابراین دشواری مسأله، تهیه و پرداخت دو کرور دیگر از هشت کرور بود که با پریشانی اوضاع و احوال آن روزهای آذربایجان و تهی بودن خزانه نایب‌السلطنه بنظر نمی‌رسید امکان‌پذیر باشد. زیرا بر اثر دو سال جنگ‌های خونین و سپاهکشی‌های دور و نزدیک، نه تنها خزانه نایب‌السلطنه به کلی تهی بود، بلکه به سبب آنکه سنگینی بار جنگ و سپاهکشی‌ها، خواه ناخواه، بردوش اهالی آذربایجان هم تحمیل می‌شد، دهات و مزارع ویران شده بود و اهالی با تشکدستی شدید دست به گریبان می‌بودند. ظاهراً به سبب همین مشکلات بوده است که فتحعلی‌شاه کرور هفتم را نیز به طوریکه جهانگیر

۲۴ - د.ک. به متن قرارداد در ضمیمه این مقاله (ضمیمه شماره ۱)

میرزا نوشته است « از راه التفات ، پرداخت و ارومیه از رهن بیرون آمد. ۲۵»

از این نکته ، مورخان دوره قاجاریه ، جز جهانگیر میرزا ، ذکری نکرده‌اند. مرحوم اقبال هم با آنکه تاریخ جهانگیر میرزا به تصحیح و کوشش او به چاپ رسیده مع هذا به این موضوع اشاره ننموده است. ۲۶ تنها در نامه‌ای از قائم مقام که به خط او باقیست و آنرا به فتحعلی خان بیکلر بیکی تبریز در همین روزها نوشته ، مطالبی در این باب می‌بینیم . قائم مقام در این نامه می‌نویسد:

« دیگر از اخبار این حدود استفسار نمائید، ارومی به فضل خدا و توجه شاهنشاه خالی شد. در حقیقت ثواب آن بهره آن برادر است چرا که در فرستادن کرورات [سته] به حسن سعی و کمال اهتمام، شریک غالب بودید . حالا هم محمد طاهر خان که حامل کرور سابق بود ، خودش را به خوی نزد پایقراطیف ۲۷ فرستادم. زحمت پول تحویل دادن را کشید و آنگاه، [با] آن پول که به ارومی نزد پایقراطیف رفت روسیه را سه روزه اخراج کرد. ۲۸ بدین ترتیب یک کرور دیگر از هشت کرور تومان باقی می‌ماند و عباس میرزا برای تهیه آن به تلاش افتاد و تلاش او پای انگلیسها را که مدت‌ها بود منتظر فرصت مناسبی برای تصحیح معاهده سال ۱۲۲۹ خود با ایران می‌بودند، به میان کشید.

خلاصه این داستان چنین بود که در معاهده دوستی و اتحادی که در دوازدهم ذی حجه ۱۲۲۹ قمری میان ایران و انگلیس بسته شده بود ، دو

۲۵ - د.ک به تاریخ نوس ۱۱۳-۱۱۴

۲۶ - احتمال می‌رود اقبال در زمان نگارش مقاله گرامات (۱۳۲۲) به تاریخ نو

دسترسى نداشته است.

۲۷ - Payghratyoff

۲۸ - مرقع شماره ۲۲۱۴ متعلق به کتابخانه مسجد سپهسالار .

فصل سوم و چهارم آن به سبب آنکه علت اصلی گنج‌انیدن آنها در معاهده مزبور منتفی شده بود، برای انگلستان جز زیان و درد سر نتیجه‌ای نمی‌داشت. محتوای این دو فصل چنین بود:

«اگر طایفه [ای] از طوایف فرنگیان به ممالک ایران به عزم دشمنی بیایند و دولت ایران از دولت بهیئه انگلیس خواهش امداد نمایند، فرمانفرمای هند از جانب دولت بهیئه انگلیس خواهش مذکور را به عمل بیاورند و لشکر به قدر خواهش با سردار و اساس جنگ از سمت هندوستان به ایران بفرستند و اگر فرستان لشکر امکان نداشته باشد به عوض آن از جانب دولت بهیئه انگلیس مبلغی نقد که مبلغ و مقدار آن دو بیست هزار تومان خواهد بود، [بدهند] و اگر دولت علیه ایران قصد ملکی خارج از خاک خود نمود و در نزاع و جنگ سبقت با طایفه [ای] از طوایف فرنگستان نمایند امداد مذکور داده نخواهد شد.» ۲۹

نایب‌السلطنه که برای تهیه کرور آخر به هردری می‌زد، وجود این دو فصل را راهی برای به دست آوردن مبلغی که بتواند قسمتی از کرور آخر را تأمین نماید یافت و به این نظر، اجرای مفاد عهدنامه را که همبایستی در مدت جنگهای ایران و روسیه به مرحله عمل گذارده می‌شد، از وزیر مختار انگلیس خواستار شد و مطالبه ششصد هزار تومان از آن بابت رانمود. بر سر این موضوع میان دولت ایران و جهان مکد نالد وزیر مختار انگلیس، گفتگوها شد و مکد نالد متعذر شده بود که اجرای مفاد عهدنامه

۲۹- برای آگاهی بیشتر از این معاهده و سوابق آن به کتابهای تحولات سیاسی نظام ایران تألیف نگارنده از ص ۳۲ تا ص ۶۶ و تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس تألیف محمود محمود جلد اول از ص ۵۶ تا ص ۷۰ و ص ۸۸-۱۰۰ و ص ۱۳۱-۱۴۷ رجوع کنید.

مزبور هنگامی برعهده دولت انگلیس است که دولت ایران در جنگ با اروپائیان پیشی نگرفته باشد و در این جنگ، پیشی از جانب ارتش ایران بوده است. سرانجام پس از گفتگوهای بسیار جان مکدنالد قبول کرد دو بیست هزار تومان بدهد و در مقابل، دولت ایران دو فصل سوم و چهارم معاهده سال ۱۲۲۹ را از معاهده خارج و حذف نماید. ۳۰

عباس میرزا از فرط ناچاری این پیشنهاد را پذیرفت و برای اینکه هر چه زودتر هم خوی از رهن روسها مستخلص شود، عهدنامه‌ای به مکدنالد سپرد مبنی بر اینکه رضایت خاطر فتحعلیشاه را در این باب جلب نماید و به این ترتیب دو بیست هزار تومان را گرفت. ۳۱

مرحوم اقبال نوشته است: عباس میرزا این مبلغ را (یعنی دو بیست هزار تومان را) با پنجاه هزار تومانی که خود فراهم نموده بود باشش کرور ارسال کرد فتحعلیشاه یعنی با دادن شش کرور نیم موفق شد که آذربایجان را از قشون روسیه خالی نماید لیکن روسها خوی را بعنوان کرور و یک کرور و نیم بقیه هشت کرور تومان همچنان تحت تصرف خود نگاهداشتند. ۳۲

از این نوشته برمی آید که مرحوم اقبال از کرور هفتم که فتحعلیشاه آن را فرستاده بود، آگاهی نداشته و ظاهراً به همین سبب هم باقی مانده هشت کرور را یک کرور و نیم به حساب عباس میرزا گذارده است و حال آنکه چنانکه دیدیم کرور هفتم را فتحعلیشاه فرستاد و فقط پرداخت کرور هشتم به عهده عباس میرزا و گذارش ۳۳ و به شرحی که پیش از این گفته شد دو بیست هزار تومان از این کرور آخر هم توسط جان مکدنالد وزیر انگلیس پرداخت گردید و بدین ترتیب سیصد هزار تومان دیگر از کرور هشتم باقی ماند که بموجب

۳۰- ر.ک به محمود محمود ج ۱ ص ۲۰۲-۲۰۴ و تاریخ نو ص ۱۱۸-۱۱۹

۳۱- برای اطلاع از متن عهدنامه عباس میرزا و فرمان فتحعلی‌شاه که در همین باره صادر شده بود به کتاب محمود محمود جلد یکم صفحات ۲۰۵-۲۰۶ رجوع کنید.

۳۲- مقاله غرامات ترکمانچای در مجله یادگارش ۲ سال اول ص ۲۹-۳۰

۳۳- ر.ک به ص در همین مقاله



فصل سوم قرارداد بایستی تا سوم صفر ۱۲۴۴ پرداخت می شد و الا « تمام ولایات آذربایجان از ایران انفصال دائمی » می یافت و در این صورت امپراتور روسیه حق می داشت آن استان را « ضمیمه مملکت خود » سازد . ولی مدارک دیگری که در دست است نشان می دهند خوی تا حدود بیستم ماه رجب ۱۲۴۴ از سپاهیان روسیه تخلیه نشد و عباس میرزا تا اواسط سال ۱۲۴۵ نتوانست بدهی ایران بابت بقیه هشت کرور تومان را بپردازد .

سند اول از این مدارک نامه ایست که قائم مقام آنرا به بردار خود میرزا موسی خان نوشته و اصل آن در اختیار مرحوم اقبال بوده که قسمتی از ابتدای آن را در مقاله خود نقل کرده است و ما به سبب اهمیت خاصی که این سند از نظر شمول بر آگاهی هائی درباره مسأله غرامات دارد، ابتدا ، قسمتهائی از آن را نقل می کنیم و سپس به تحلیل آن می پردازیم :

« برادر مهربان ، تا به تبریز نرسیدیم ، خوی را خالی شده می دانستیم . اما از روزی که وارد شدیم معلوم شد که قسط شش ماهه و هفت ماهه کلا با هر چه در خانه نایب السلطنه و نوکرها از طلا و نقره و جواهر بود به اراک تبریز و شهر خوی رفته ۳۴ و هنوز ۲۱۶۰۰۰ تومان از کرور هشتم باقیست و وعده رسیده و ۱۰۰۰۰۰ تومان

۳۴- برای این قسمت از نوشته های قائم مقام مؤیدات دیگری هم در دست داریم از جمله جهانگیر میرزا در تاریخ خود در این باره می نویسد : « از جمع اولاد و خدمتکاران و لشکریان ، خواهش کرد به مقرری شش ماهه در آن سال قناعت نموده شش ماهه دیگر را در راه استغلاص مسلمانان خوی و اگذار دولت نمایند و آنچه اسباب و اوضاع از طلا و آلات در میان اولاد و عیال ایشان بود بالتمام جمع فرموده به تحویلدادن دولت روس قیمت کرده دادند و با وجود این احوال دویست هزار تومان از کرور هشتم باقی ماند » (ص ۱۱۷-۱۱۸) همچنین اشاره ای که عباس میرزا در وصیت نامه خود به دوهزار تومانی که از مادر محمد میرزا برای کرور سوم گرفته بود تأیید دیگری برای گفته قائم مقام است ( ر . ک به وصیت نامه منسوب به نایب السلطنه ، نوشته نگارنده در مجله بررسی های تاریخی شماره ۴ سال ششم ) .

شمانرسیده، خوی درشرف بیع لازم است. ناچار در آمدن ایلچی مختار تعجیل کردیم. میگفت تا خوی یکسره نشود نمی آیم. با هزار لطایف حیل آوردیم. بعد از همه سعی و حک و اصلاح، ۵۰۰۰۰ تومان نقد به و عده پنج روز خواست. شما می دانید چه آتش بر سر ما باریده تسادادیم و او بعد از گرفتن وجه، تن به گفت و شنید مطلب در داده است. بعد ذلك ۱۶۰۰۰ تومان خواست تا سلماس را خالی نمود و حالا از غره تا بیستم رجب ۱۰۰۰۰ [۵] ۲۰ تومان دیگر باید بدهیم که خوی خالی شود و الا سلماس با ما و خوی مال آنها خواهد شد. العیاذ بالله تعالی. بلی بعد از ادای این پنجاه تا عید، برای صدی که مانده مهلت داده اند، به این شرط که مکنیل برای ۱۰۰۰۰۰ تومان شما به طهران رفته حجت به مهر چند نفر از ماها برده اگر خبر خیری انشاء الله از آنجا رسید مهلت است و الا باز حرف درخوی می رود،<sup>۳۶</sup>

تاریخ نگارش این نامه، به طوریکه از فحوای آن بر می آید، در روزهای آخر ماه جمادی الثانی و یاروزهای اول ماه رجب بوده و بر اساس مندرجات آن نیز معلوم می شود در این تاریخ یکصد و پنجاه هزار تومان دیگر از کرور هشتم باقی بوده که می بایستی پنجاه هزار تومان آن تا « عید » یعنی تا عید مولود امیر المؤمنین علی علیه السلام مطابق با ۱۳ رجب و صد هزار تومان بقیه

۳۵- مرحوم اقبال این رقم را ۱۰۰۰۰۰ نقل کرده و قد در مسلم اینکه ۱۵۰۰۰۰ درست است زیرا پس از اینکه مجموع ۵۰ هزار تومان و ۱۶ هزار تومان مذکور در متن را از ۲۱۶ هزار تومان کسر کنیم عدد ۱۵۰۰۰۰ که رقم صحیح کسری کرور هشتم است بدست می آید و مفهوم عبارت بعد هم این نکته را تأیید می کند.

۳۶- مقاله غرامات در مجله یادگار

تا بیستم همان ماه پرداخته می شد تا خوی آزاد می گردید.  
در خلال این احوال گریبایدوف وزیر مختار روسیه در تهران به قتل رسید و دو دولت در آستانه جنگ دیگری قرار گرفتند. ولی روسها که در این موقع گرفتار مسائل اروپا و جنگ با عثمانیها می بودند از راه ملایمت وارد شده با گشاده روئی به قبول معاذیر موجه و غیر موجه ایران تن در دادند<sup>۳۷</sup> ولی به هر حال مسأله پرداخت کسر کرور هشتم همچنان به قوت خود باقی و مورد مذاکره طرفین بود.

از جزئیات و نحوه پرداخت پنجاه هزار تومان که می بایستی تا ۱۳ رجب پرداخت می شد هیچ آگاهی نداریم ولی درباره قسط یکصد هزار تومان ، می دانیم دولت ایران برای اینکه آن را از گردن خود بیندازد، به هر بهانه ای متوسل می شده است از جمله در دستورالعملی که به هنگام واقعه قتل گریبایدوف به امیرنظام (زمانی که در معیت خسرو میرزا به تفریس می رفته) نوشته شده چنین می خوانیم<sup>۳۸</sup>:

د رابعاً در باب صد هزار وجه که از کرور رهن خوی باقی است ، جنرال انشف خود بالمشافهه قولونل مکداندل ایلچی دولت انگلیس را بعد از برهم خوردن مجلس دهخوارقان مأذون ساخته بود که برای انعقاد صلح و وصول تنخواه خسارت ، خدمت شاهنشاه و الاجاه برسدوا گر هشت کرور را داده اند صد هزار تومان پیشکش بدهد . جنرال ابرسکوف هم بعد ذلک نزد قولونل مکداندل تصدیق نموده است که اگر جنرال انشف چنین حرفی زده باید این تنخواه را داد . ،<sup>۳۹</sup>

- ۳۷- درباره قتل گریبایدوف و ریشه آن به مقاله «نکاتی درباره قتل گریبایدوف» نوشته نگارنده در مجله بررسی های تاریخی شماره ۶۵ سال چهارم رجوع کنید .  
۳۸- خسرو میرزا و امیرنظام روز ۱۶ شوال ۱۲۴۴ از تبریز عازم تفریس شدند .  
۳۹- مجموعه خطی نامه های قائم مقام به شماره ۷۸۲ متعلق به کتابخانه مجلس شورای ملی .

از طرفی، مرحوم اقبال درباره مبلغ مزبور نوشته است، این مبلغ «برعهده والی کرمانشاهان که در این تاریخ ضمیمه حکومت آذربایجان محسوب می شد قرار داده شد و پرداخت این پول را هم بالاخره مکد نالد وزیر مختار انگلیس به توسط مکنیل تمهید کرد و خوی را قبل از بیستم رجب ۱۲۴۴ عساکر روس خالی نمودند». ۴۰

ولی نباید دانست خالی شدن خوی و رفتن سپاهیان روسیه از خوی به سادگی صورت نگرفت. فرمانده پادگان خوی، با آنکه وزیر مختار روسیه فقط پنج شش روز برای تخلیه خوی به او مهلت داده بود، «ترك اطاعت واعتنا نمود» و به تحريك و اغوای اشخاص محلی «آنقدر ماند که پنج هزار تومان ضرر تازه زد» و مبالغی هم اضافه بر آنچه از عواید و مداخل خوی به آنها تعلق می گرفت بردند. ۴۱

مرحوم اقبال پس از ذکر تخلیه شدن خوی از سپاهیان روسیه، بلافاصله به موضوع دو کرور بقیه ده کرور تومان پرداخته و حال آنکه از هفت فقره سند دیگری که درباره کرور هشتم غرامات در دست دادیم، مطالب و نکات جالب دیگری هم روشن می شود که مرحوم اقبال به سبب آنکه آنها را ندیده بوده ذکر از آنها در مقاله خود نکرده است.

سند اول از این گروه، دستورالعملی است که نایب السلطنه به نمایندگی خود حاجی بیجن خان که برای مذاکره درباره برخی از مسائل معوق مانده وهم در خصوص موضوعهای جاری در میان دولتین ایران و روسیه، از جمله مسأله یکصد هزار تومان کسری کرور هشتم، پیش ژنرال پاسکیویچ رفته

۴۰- مقاله غرامات.

۴۱- نامه قائم مقام به میرزا موسی خان، از مرقع خطی فیروزه شماره ۳۵۴ در

کتابخانه مجلس شورای ملی.

بود، نوشته است. ۴۲ از مفاد این دستورالعمل معلوم می‌شود برخلاف آنچه که مرحوم اقبال بیان داشته، تخلیه خوی په خاطر تضمین وزیر مختار انگلیس نبود بلکه چون عباس میرزا مقداری جواهر به ارزش یکصد و بیست و پنج هزار تومان به عنوان وثیقه یکصد هزار تومان کسری کرور هشتم به روسها سپرد، خوی تخلیه شد. ۴۳

مضمون اسناد دیگر حاکی از این است که مقارن همین احوال یعنی در روزهایی که برای استرداد جواهرات مزبور اقداماتی صورت می‌گرفت، مذاکرات و قرار و مدارهایی هم در مورد تحویل هشت هزار خروار غله به جای کسری کرور هشتم در میان بوده است.

این اسناد عبارتند از چهار نامه رسمی که آمبور کرو و مالتسوف نمایندگان روسیه در ایران، در تاریخهای ۸ رمضان، ۲۵ شوال، دوم ذی‌قعدة و ۱۲ ذیحجه ۱۲۴۴ مهور به مهر خود به قائم‌مقام نوشته‌اند و یک نامه هم به انشاء و خط قائم‌مقام از جانب نایب‌السلطنه به بهرام میرزا در تاریخ ربیع‌الاول ۱۲۴۵ در دست است که اصل همه آنها در دو مجموعه از نامه های رسمی در آرشیو وزارت

۴۲- تاریخ نگارش و صدور این دستورالعمل مقارن با روزهایی بوده که خسرو میرزا برای عذرخواهی از واقعه کشته شدن گریبایدوف به سن پترزبورگ می‌رفته و در راه تفلیس به سن پترزبورگ بوده است یعنی در فاصله بین دوم ذی‌حجه ۱۲۴۴ و ۲۴ محرم ۱۲۴۵ که به مسکو رسیده است.

۴۳- این است ماده‌ای از دستورالعمل مزبور که به این موضوع مربوط می‌شود: «ثالث آنکه در باب یکصد هزار تومان باقی کرور هشتم که یکصد و بیست و پنج هزار تومان جواهر در رهن آن است، چون این وجه ملزم ما خود میباشد و دخلی به دولت قاهره ایران ندارد خواهش داریم جناب غراف نظربه محبتی که نسبت به ما دارد و التفات اعلیحضرت ایمپراطور را درباره ما به حقیقت می‌دید نوعی قرار بدهد که از عهده توانیم برآیم. صد ماتی که در این دو ساله به ما برخورد، جناب غراف بهتر از هر کس استحضار دارد و هر چه معظم‌الیه در کارهای ما صلاح داند عین صلاح خود می‌دانیم» (مرقع فیروز به شماره ۳۵۴ در کتابخانه مجلس شورای ملی).

امور خارجه ایران ضبط می باشد . ۴۴

در این نامه هاست که با عباراتی از قبیل « در باب غله قراردادی عوض کسری کرور هشتم که به آن جناب مرقوم نمود ، ۴۵ و یا « در باب غله که از بابت یکصد هزار تومان کسر کرور هشتم که دولت ایران می خواهد به دولت بهیه روسیه بدهد ، ۴۶ ، به مسأله تحویل غله بابت کسری کرور هشتم غرامات اشاره شده و از فحوای آنها استنتاج می شود ، قرار طرفین بر این بوده که برای بیرون آوردن جواهرات از رهن ، کسری کرور هشتم به طور نقدی و جنسی پرداخت شود و آخرین سندی که در این باره بالفعل در دست داریم مربوط به ماه ربیع الاول ۱۲۴۵ است و آن همان نامه ایست که قائم مقام از جانب نایب السلطنه به بهرام میرزا حکمران خوی نوشته و در آن می گوید « در باب غله روسیه که نوشته بود تا دهم و تنخواه نقد آن را تا پانزدهم تمام و کمال خواهد رساند زائد الوصف از آن فرزند راضی شدیم . » ۴۷

نامتام

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۴۴- مجموعه های ۶۰۲۵ و ۶۳۰۴ - به ضمایم مقاله حاضر ، ضمیمه های شماره ۲ تا ۵ نیز رجوع کنید .

۴۵- نامه آمبود کر به قائم مقام مورخ ۸ رمضان ۱۲۴۴ ( ضمیمه شماره ۲ )

۴۶- نامه مالتسوف به قائم مقام مورخ ۲۱ ذی حجه ۱۲۴۴ ( ضمیمه شماره ۵ )

۴۷- مجموعه شماره ۶۰۲۵ در آرشیو وزارت امور خارجه ایران .

## ضمیمه ۱

عهدنامه کرورات تر کمانچای<sup>۱</sup>

بسم الله الرحمن الرحيم

**فصل اول** نظر بماحصل فصل چهارم عهدنامه عمده امروزه اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران تعهد می کند که از تاریخ اختتام عهدنامه مزبوره در مدت دو ماه همه حصه طالش را که به استحقاق متعلق به دولت روسیه است و سرحد آن به صحت و درستی به موجب فصل چهارم عهدنامه عمده معین شده است و به علت افعال خصمانه صادره قبل از جنگ که اینمهمه نامه به سعادت بی انتها می رساند به تصرف عسکر ایران درآمده است از قشون خود تخلیه کرده به مأمورین روس که به همین جهت به آن مکانها فرستاده خواهد شد تسلیم نمایند تا زمان تفویض ولایت مذکوره به و کلای روسیه، دولت ایران به دقت متوجه خواهد شد که به هیچگونه ظلمی و تعدی به اهالی آن ولایت و اموال ایشان معمول نباشد و حکام ولایت از هر گونه خلاف ضابطه و نظام که درین مدت اتفاق بیفتد از طرف دولت مواخذ خواهد بود.

**فصل دوم** به ماحصل فصل ششم عهدنامه عمده امروزه که به موجب آن اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران به صراحه متمهده شده است که به اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه به عوض خسارت ده کرور تومان رایج که عبارت است از بیست میلیون مناط سفید روسی بدهد. مابین دولتین علیتن معاهدتین مقرر گشته است که سه کرور تومان از آن در مدت هشت روز که بلافاصله

۱- از مجموعه معاهدات ایران، نسخه خطی متعلق به کتابخانه مجلس سنا.

بعد از اختتام اینمهدنامه مذکورہ انقضا می یابد به و کلای مختار روسیه یا به گماشتگان ایشان داده شود و دو کرور تومان نیز پانزده روز دیرتر وصول یابد و سه کرور هم درغرة شهر ابریل سنه ۱۸۲۸ مسیحی که عبارت است از بیست و ششم شهر رمضان سنه ۱۲۴۳ هجری ایصال گردد و دو کرور باقی هم که تتمه ده کرور تومان است که دولت ایران به دولت روسیه متعهد ایصال گشته، درغرة شهر ینواز ۲ سنه ۱۸۳۰ مسیحی که عبارتست از بیست و دویم جدی سنه ۱۲۴۵ .

**فصل سیم .** به نیت آنکه اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه جهت ایصال صحیح و کامل وجه خسارت مذکورہ رهنی بدهند ما بین دولتین علیتن معاهدتین قرارداد شده است که تا ایصال کل هشت کرور تومان، تمامی ولایات آذربایجان در تصرف بیواسطه عساکر روسیه مانده اداره و انتظام آن بالا انحصار برای منافع روسیه باشد به نوعیکه حکومت مستعاری که الحال در تبریز وضع شده است در اجرای تسلط و رفتار خود که به رعایت و حفظ ضابطه و آسایش درونی متعلق و با مضای وسایل مخصوصه جهت تدارک ضروریات عساکری که باید علی سبیل العاریه در ولایت مذکورہ مقیم باشد مربوط است امتداد یابد. اگر خدا نکرده مبلغ مزبور فوق که هشت کرور تومان است تا روز پانزدهم ماه آغوت سنه ۱۸۲۸ که عبارتست از پانزدهم شهر صفر المظفر سنه ۱۲۴۴ هجری بتمامه تسلیم نشود، معلوم بوده و خواهد بود که تمام ولایت آذربایجان از ایران انفصال دائمی خواهد یافت. اعلیحضرت امپراطور که کل ممالک روسیه مطلقاً استحقاق خواهد داشت که آنرا یا ضمیمه مملکت خود سازد یا در زیر حمایت بیواسطه و بالا نفراد خود، جانشینهای خود سر که انتقال آنها به ارث باشد در آن معین کنند و در باب مبلغهایی که بر فوق این قرارداد در آنوقت به دولت روس وصول یافته باشد ایضاً معلوم است که همه بیمطالبه و استرداد برای نفع اولی ماند. اما درین صورت دولت



ایران نزد دولت روس بالمره از تعهدات نقدیه بری الذمه خواهد بود لیکن مقررات که همینکه اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران دو کرور از این سه کرور که بعد از پنج کرور تومسان وجه خسارت مشروطه می بایست داده شود تسلیم کرده شود، همه آذربایجان انتهای مرتبه در مدت یکماه از عسا کر روسیه تخلیه خواهد شد و باختیار ایرانیان واگذار خواهد گردید اما قلعه و ولایت خوی مانند رهن ایصال کرور سیم از کرورات مذکوره که باید بالتمام در پانزدهم ماه آغوت سنه ۱۸۲۸ مسیحیه برسد، در اختیار عسا کر روسیه خواهد ماند. جنرالی که لشکر روسیه در اختیار او خواهد بود در باب تخلیه ورد همه یا جزء آذربایجان موافق آنکه اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران به دولت امپراطوریه روسیه در موعده معهود همه هشت کرور یا همین هفت کرور تومان را داده باشد پیش از وقت دستور العمل لازمه در دست خواهد داشت و حکومت مستعار تبریز در آنوقت اختیار را که دارد از خود سلب کرده و کلای ایران که برای این کار از طرف اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران مأمور خواهند بود، فوراً به تصرف آن خواهند پرداخت. لیکن بدون اینکه ضابطه و آسایش خلق مشوش تواند شد و در شرایط و تعهداتی که در عهدنامه مصالحه عمده الحصال و درین فصول زایده مقرر گشته است تغییری حاصل تواند کرد.

**فصل چهارم .** عسا کر روسیه که بنا بر فصل سابق چند وقته آذربایجان را در تصرف خواهند داشت، چون اختیار تام و تمام [دارند] که موافق صوابدید فرمانفرمای عسا کر روسیه در هر جای این مملکت اقامت نمایند، لهذا قرار داده شد که عسا کر ایران که هنوز در بعضی اماکن آذربایجان منتشرند بلافاصله بیرون روند و خود را به ولایات داخله ایران بکشند.

**فصل پنجم** برای رفع اموری که بموجب اختلال ضابطه و نظام عسکریه می شود و حفظ آن مابین عسا کر جانبین در مدت تصرف چند دقیقه ولایات که در فصل سابق قرار دادش به غایت لازم است، مقرر شد که درین مدت

اقامت همه فراری لشکر روس که به جانب ایرانیان بگریزد باید که به واسطه رؤسای ایران گرفته شده فی الفور به نزدیکترین رؤسای عساکر روس تسلیم شود و همچنین همه فراری لشکر ایران که به جانب روسیه بگذرد بلافاصله گرفته شده به نزدیکترین حاکم ایران تسلیم می شود.

فصل ششم. همان ساعت بعد از مبادله تصدیق نامها از جانبین به مباشر برای تشخیص خط سرحدی که به واسطه فصل چهارم عهدنامه عمده امروزه شرط شده نامزد خواهد شد و کذا لک برای ترتیب نقشه صحیح از آنکه يك نسخه به مهر مباشرین رسیده به تصحیح فرمانفرمای گرجستان و نسخه دیگر در کمال مشابہت به تصحیح نواب مستطاب نایب السلطنه عباس میرزا عرض خواهد شد و بعد از آن نقشه مبادله شده مستوثق و در مستقبل، دست آویز و سند خواهد بود.

این فصول جدا گانه که برای تکمیل عهدنامه عمده امروزه تشخیص یافته و مشتمل بر دو نسخه است، همانقدر قوه و اعتبار خواهد داشت که گویا لفظ به لفظ در آن جا مندرج است. در هر حال ما و کلای مختار اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران آنها را دستخط گذاشته مهر کردیم. تحریراً فی قریه ترکمان چای به تاریخ دهم شهر فیورال سنه ۱۸۲۷ مسیحیه که عبارتست از پنجم شهر شعبان سنه ۱۲۴۳ هجری به ملاحظه و تصدیق نواب نایب السلطنه رسید. به اعضای وزیر دول خارجه علیجاه میرزا ابوالحسن خان رسید. خاتمه

## ضمیمه ۲

نامه آمبورگر به قائم مقام ۱  
عالیجاها رفیجایگاهها دوستان استظهاراً

مخلص که درنخجوان بود خیرناخوشی وسوء مزاج عالیجاه یرال مایور- کشیاز جفخواذرف رسید بنا بر این لازم دیده برای عیادت عالیجاه مشارالیه و به جهت ملاحظه اینکه آیا خود می تواند که همراه دختر خودش که حرم ایلچی باشد به تفلیس برود یا نه، روانه اوج کلیسا شدم. در عرض راه چاپار نواب والاینایب السلطنه و چاپارمخلص هر دو رسیدند و کاغذی از جناب جلالت انتساب ینران انشف رسانیدند گزارش به قراریست که در عرضه نواب مستطاب والامر قوم داشته ام. نظر بر اینکه عالیجاه مشارالیه را قرین صحت یافتم و دیدم که خودش می تواند تساجلسه خود برود لهذا به نخجوان مراجعت می نمایم که در آنجا منتظر به عمل آمدن تعهدات نایب السلطنه العلیه و آنجناب باشم. ضمناً اظهار می شود که چند روز قبل از این مخلص درنخجوان در باب غله قراردادی عوض کسر کرور هشتم به آنجناب مرقوم نمود تا حال جوابی در این خصوص نرسیده بنا بر این مرقوم می دارد که اقتضای دوستی و الفت دولتین چنان است که امر غله به قراری که مخلص با عالیجاه فتحملی خان بیکلر بیکی که از طرف دولت علیه ایران و کیل قطعی و فصلی بوده طی نموده بگذرد. حقیقت معوق ماندن این امر مرقوم به صلاح نیست بلکه درست شدن آن عظمی در نظر دارد. لازم بود بنویسد. ۸ شهر رمضان ۱۲۲۴

مهر: عبده الراجی امبورگر ۱۲۳۸

### ضمیمه ۳

ازنامه‌ای که آمبور کربه تاریخ ۲۵ شهرشوال ۱۲۴۴ به قائم مقام نوشته است :<sup>۱</sup>

« . . . . درباب غله که نوشته بودید تا هزارخروار هرچه ممکن شود مقرر شد که به سرحد نخجوان و قراباغ برسانند ، لهذا اظهار می‌شود که از هزار خروار ، کارسازی نمی‌شود .

هزار خروار و هشت هزار خروار قراردادی ما است . مصلحت چنان است که آنجناب منظور خودشان را درباب قیمت غله و قدر آن صراحتاً معلوم سازند که بچه قیمت و چه قدر غله میتوانند به دیوان روسیه فروخته نقل و حمل عباسیه نمایند تا مخلص مراتب را به جناب جلالت انتساب جنرال انشف اظهار کرده مشورت نمایم تا هرطور که جواب حاصل نمایم از آنقرار به آنجناب اظهاردارم و امر غله را به اتمام برسانم .

پرتال جامع علوم انسانی

۱ - از مجموعه اسناد رسمی شماره ۶۳۰۴ ، آرشیو وزارت امور خارجه ایران

## ضمیمه ۴

## نامه آمبور کر به قائم مقام ۱

عالیجاها بلند جایگاهها دوستان استظهارا  
 در باب غله قراردادی که نوشته بودید اگر در تحریرات این طرف یک هزار  
 خروار نوشته شده هر گاه فی الحقیقه اینطور نوشته شده ظاهر است که  
 سهو القلم اتفاق افتاده و الا منظور هشت هزار خروار است. حقیقت در اینصورت  
 نیز امر غله مجمل و ناتمام می باشد زیرا که تمسک غله مزبوره را موافق  
 قرارداد آخر که نوشته و اظهار کرده بودم نوشته ارسال نکرده اند که به  
 آن قرار قطع و فصل شده امر غله بگذرد. توقع اینکه تمسک غله مزبور را  
 کما و کیفاً و موعداً نوشته مهور فرموده ارسال دارند که گذشتن امر غله در  
 چنین اوقات محسنات زیاد دارد و مصحلتهای بیشمار در ضمنش مندرج است  
 زیاده چه نگارد که ضرور باشد. حرره فی شهر ذی قعدة ۱۲۴۴ مهر عبده  
 الراجی آمبور کر ۱۲۳۸ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

### ضمیمه ۵

#### عالیجاها بلند جایگاهها مخلصان استظهارا ۱

مراسله مرسله شریفه واصل و از مسطوراتش من البدایه الی النهایه استحضار کامل حاصل گردید. در باب غله که از بابت یکصد هزار تومان کسر کرور هشتم، دولت علیه ایران می خواهد به دولت بهیمة روسیه بدهد، بدان نحو که نوشته بودید هزار خروار حاضر و موجود است حمل و نقل عباسیه می شود حقیقت این است که باید در فرستادن غله آنقدر تأمل بشود که جواب مخلص که در باب غله و قدر و قیمت آن به جناب جلالت انتساب غراب یاسکویچ ایروانی مرقوم داشته ام برسد و تحویلدار به جهت تحویل گرفتن غله مزبور تعیین گردد. اگر پیش از تعیین تحویلدار و رسیدن جواب کاغذ مخلص غله حمل و نقل عباسیه شود موجب معطلی می گردد. چون اظهار مراتب از جمله لوازم بود مرقوم و اشاره رفت. زیاده از این چه حاجت که مرقوم شود. ایام الطاف برقرار باد، برب العباد. حرره فی ۲۱ شهر ذی حجه الحرام سنه ۱۲۴۴ مهر: «عبدالراجی مالسوف ۱۲۴۴»